امیرعباس عبداللهی، جامعه‌شناس و استاد حوزه و دانشگاه:

انسجام و همدلی چراغ راه خانواده ایرانی در عبور از بحران‌هاست

با نگاهی به جنگ تحمیلی امریکا و رژیم صهیونیستی به کشورمان چا دارد به همدلی و انسجام خانواده‌ها و همبستگی شگرف مردممان بپردازیم؛ ویژگی‌ای که در طول تاریخ نقش بسزایی در پیروزی‌هایمان داشته است. در همین زمینه با امیرعباس عبداللهی، جامعه‌شناس و مدرس حوزه و دانشگاه گفت‌وگو کردیم. در ادامه گفت‌وگو با وی را می‌خوانید.

آیا جنگ می‌تواند به تقویت انسجام و همدلی در خانواده و همبستگی در جامعه ما منجر شود؟

همبستگی اجتماعی یکی از نتایج جنگ است که در طول تاریخ به چشم می‌خورد، البته این حاصل یک جنگ بر اساس اعتقاد، ایمان و دفاع از خود است و خانواده‌ها را نیز به یکدیگر نزدیک‌تر می‌کند. این در حالی است که در جوامع غربی با توجه به ویژگی‌های خانواده، اختلاف و گسست اجتماعی در جنگ‌هایشان بیشتر دیده می‌شود و این نشان از تفاوت جنگ ما با جنگ آنهاست. به عنوان نمونه، در نماز جمعه‌ای که در ایام جنگ اخیر داشتیم، شاهد بودیم تمام اعضای خانواده‌ها در کنار هم حاضر شده و یکدیگر را حمایت کردند. مادران نیز فرزندان خود را برای تربیت و آموزش به این تجمعات آوردند. این حس وطن دوستی می‌تواند زمینه ایجاد یک چسب اجتماعی را نیز فراهم کند و جامعه را با هر عقیده و ظاهری به هم پیوند دهد. نکته دیگری که حائز اهمیت است این است که این اتحاد توانسته است شکاف‌های نسلی را کاهش دهد و همه افراد در هر سنی از روی غیرت ملی و میهن دوستی در راهپیمایی‌ها شرکت کنند.

نقش نهادهای اجتماعی و مذهبی مانند مساجد و هیئت‌ها در ایجاد همدلی و حمایت از خانواده‌های آسیب دیده چیست؟

زمانی که از نهادهای اجتماعی سخن می‌گوییم، شاهد بوده‌ایم که مساجد نقش اصلی در کمک به بحران‌ها داشته‌اند. در مسائل مختلفی مانند سیل، زلزله و کمک به آواره‌گان، مساجد با توجه به فضای خود و کاربری منحصر به فردشان همواره در خط مقدم بوده‌اند. حتی ابتدای انقلاب اسلامی مساجد نقشی کلیدی و روشنگرانه ایفا کرده‌اند و امروزه نیز می‌توانند به عنوان محیطی آموزشی، فرهنگی و اقتصادی عمل کنند و تربیت نیروهای مؤثر را بر عهده بگیرند. مساجد این ظرفیت را دارند که در عرصه جامعه به لحاظ کارآمدی نقش‌های مختلف ایفا کنند. از آنجایی که جامعه‌ای مسجد محور هستیم، مساجد می‌توانند نقش کلیدی خود را به خوبی ایفا کنند و در شرایط بحرانی خدمات مؤثری ارائه دهند. به عنوان نمونه در دوران دفاع مقدس، مساجد به عنوان عنصر اصلی در گردهمایی خانواده‌ها برای تهیه اقلام نفدی و غیرنقدی در محلات بودند و در برگزاری مراسم‌هایی مانند تشییع شهدا و دعا و نیایش نقش مؤثری داشتند.

جنگ آسیب‌هایی را به لحاظ جانی، مالی و روحی برای بعضی خانواده‌ها به همراه دارد، هموطنانمان چگونه می‌توانند از این خانواده‌ها حمایت کنند؟

آنها می‌توانند با ارسال پیام تسلیت، شرکت در مراسم‌ها و همدلی، همدردی کامل را ابراز کنند. این امر حتی می‌تواند در قالب پیامک، دلنوشته و عکس در فضای مجازی صورت گیرد. همچنین نصب بنرها و دیگر اقدامات مشابه به انسجام بیشتر کمک می‌کند. ایرانیان به کرات نشان داده‌اند مردمانی عاطفی هستند و قادر به انجام اقداماتی بزرگ در مواقع ضروری‌اند. آنها حتی در شرایط سخت با اینکه خودشان نیز با مشکل مواجهند، دست به تقسیم‌های نوعدوستانه می‌زنند. چهره‌های مشهور از جمله قوتیالیست‌ها نیز همواره در این زمینه پیشقدم بوده و در کنار مردم قرار گرفته و می‌گیرند.

در نماز جمعه‌ای که در ایام جنگ اخیر داشتیم، شاهد بودیم تمام اعضای خانواده‌ها در کنار هم حاضر شده و یکدیگر را حمایت کردند. مادران نیز فرزندان خود را برای تربیت و آموزش به این تجمعات آوردند. این حس وطن دوستی می‌تواند زمینه ایجاد یک چسب اجتماعی را نیز فراهم کند و جامعه را با هر عقیده و ظاهری به هم پیوند دهد

با توجه به اینکه در ایام سوگواری سیدالشهدا(ع) هستیم نقش مراسم‌های مذهبی در تقویت همدلی و اتحاد جامعه چیست؟

در جامعه، هر عاملی که موجب همدلی و اتحاد مردم شود، می‌تواند به انسجام ملی کمک کند. به عنوان مثال، هیئت‌های مذهبی نقش مهمی در تقویت این انسجام دارند و با زنده کردن روحیه مشترک در افراد، آنها را زیر یک مدیریت واحد قرار می‌دهند. در هیئت‌ها، افراد ذیل رئیس هیئت فعالیت می‌کنند و این فرماندهی واحد به پیشبرد همدلانه امور کمک می‌کند. امروزه، مردم ایران با روحیه‌ای قوی در برابر دشمن ایستادگی می‌کنند. روحیه ایرانی‌ها در مواقع سخت تجلی می‌یابد و آنها به دنبال یافتن راه‌حل‌های مشترک هستند؛ امری که کمتر در جوامع دیگر مشاهده می‌شود.

برای مقاومت در برابر اتفاقات جنگ و تبعات آن نیاز است روحیه امید در خانواده‌ها تقویت شود. این مهم چگونه امکانپذیر خواهد بود؟

در ابتدای پاسخ به این سؤال یک نکته را بگویم که تاریخ کشورمان درس‌های مختلفی از انسجام، همبستگی و مقاومت به ما داده که بی‌نظیر است. باید از آنها درس و آن را چراغ راه در نظر بگیریم. در واقع انسجام و همدلی خانواده ایرانی و همبستگی اجتماعی هدفمند، چراغ روشن ما ایرانیان در بحران‌هایی همچون جنگ است. برای تقویت روحیه امید و مقاومت در مواجهه با شرایط جنگ، اقداماتی از جنبه‌های اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی ضروری است. مشارکت فعال اعضای جامعه در فرایندهای اجتماعی و سیاسی از طریق برگزاری نشست‌ها و جلسات عمومی می‌تواند حس تعلق و مسئولیت‌پذیری را افزایش دهد. همچنین ایجاد فضاهای حمایتی مانند گروه‌های محلی و سازمان‌های غیردولتی به تقویت ارتباطات و همبستگی بین افراد کمک می‌کند و آنها را قادر می‌سازد تا بر مشکلات غلبه کنند. نقش رسانه‌ها نیز در این زمینه حیاتی است؛ رسانه‌ها با انتشار اخبار مثبت و داستان‌های الهام بخش می‌توانند روحیه امید را تقویت و حس اتحاد را در خانواده‌ها ایجاد کنند. فعالیت‌های فرهنگی، هنری و ورزشی نیز فرصتی برای بیان احساسات و ایجاد دوستی‌ها فراهم می‌آورند و حس همبستگی اجتماعی را تقویت می‌کنند. علاوه بر این، آموزش مهارت‌های زندگی و توانایی‌های مقابله با فشارهای روانی نیز به افراد کمک می‌کند در شرایط دشوار بهتر عمل و روحیه مقاومت خود را حفظ کنند. به طور کلی، تقویت روحیه امید و مقاومت نیازمند فعالیت‌های منسجم و هدمدلانه از سوی جامعه است.

نیره ساری | پرونده | در ستایش خانواده ایرانی

خانواده ایرانی بی‌مثال در جنگ و صلح

حسین گل‌محمدی

خانواده از دیر باز در جامعه ایران مهم‌ترین نهاد اجتماعی محسوب می‌شده تا جایی که مردم ما تشکیل خانواده را مترادف با تشکیل زندگی می‌دانند. در فرهنگ عمومی و گفت‌وگوهایمان نیز همیشه این باور را تکرار و به جوانان مجرد تأکید می‌کنیم که زودتر ازدواج کنند و تشکیل زندگی بدهند. خانواده ایرانی به رغم تغییرات این نهاد در عرصه جهانی و به‌ویژه در کشورهای غربی و صنعتی همچنان به حیات با اصالت خود ادامه می‌دهد و از این منظر توجه بسیاری از جامعه‌شناسان مطرح غرب را به خود معطوف ساخته و از سویی رشک و حسرت گردشگرانی را که از اقصی نقاط جهان به سرزمین ما می‌آیند برمی‌انگیزد. توریست‌های جوامع دیگر و مخصوصاً غربی‌ها وقتی به ایران می‌آیند از نشاط و سرزندگی، صفا و صمیمیت، محبت و میهمان‌نوازی، صبر و انسجام خانواده ایرانی شگفت‌زده می‌شوند. اهالی برخی کشورها علاقه زیادی به ازدواج با دختران و پسران ایرانی دارند، زیرا می‌دانند جوان ایرانی اهل تعهد و مهرورزی به خانواده است و تمام تلاش خود را در این زمینه به کار می‌گیرد، اما جنگ ۱۲ روزه و پرالتهابی که از سر گذراندیم چهره‌ای دیگر از جلوه‌های شگرف و متفاوت خانواده ایرانی به جهانیان نشان داد. خانواده‌ای که در اوج تهدید و خطر، استحکام و آرامش خود را حفظ و به تمام دنیا ثابت کرد در هر شرایطی، جنگ و صلح، ثبات و بحران، خوشی و ناخوشی، خانواده‌ای بی‌مثال است. از ری بی‌دلیل نیست که خانواده ایرانی توانسته است در ادوار تاریخ و در تمام تلاطم‌ها حالت خود را حفظ کند.

خانواده‌های ایرانی در طول تاریخ نشان داده‌اند در سخت‌ترین روزها، قلب‌شان برای هم می‌تپد. در جنگی که پشت سر گذاشتیم با دیگر همدلی و همبستگی خانواده‌ها از هر قشری، مانند نوری در تاریکی، امید را در جامعه زنده نگه داشت. از تقسیم یک قرص نان تا کسکان رایگان هموطنان این ملت بارها ثابت کرده در بحران‌ها «ما» بودن را خوب بلد است. در این مطلب، نگاهی به جلوه‌های زیبای همدلی خانواده‌های ایرانی در روزهای جنگی اخیر و تجربه‌های مشابه در بحران کرونا می‌اندازیم.

همدلی در بحران کرونا؛ الگویی از اتحاد

دوران همه‌گیری کرونا یکی از درخشان‌ترین نمونه‌های همبستگی ایرانی‌ها بود. در آن روزها، سیج مردمی با تمام توان کنار هم ایستاد. گروه‌های جهادی سیج در محلات، بسته‌های غذایی و بهداشتی توزیع کردند، بیمارستان‌های صحرایی برپا کردند و حتی برای ضدعفونی کردن خیابان‌ها و خانه‌ها داوطلب شدند. کادر درمان با حمایت نیروهای سیج، شبانه‌روز در بیمارستان‌ها حاضر شدند. مردم هم دست به دست هم دادند؛ از دوختن ماسک در خانه‌ها تا اهدای غذا به نیازمندان. همه نشان دهنده یک هدف مشترک بود: «عبور از بحران با همدلی». همه‌ایها برای سالمندان خرید می‌کردند، خیران برای خانواده‌های کم‌بضاعت کمک جمع‌آوری کردند و این اتحاد، کشور را از روزهای سخت نجات داد.

همدلی در ۱۲ روز بحرانی؛

جلوه‌های امروز اتحاد ایرانی خانواده‌های ایرانی نشان داده‌اند در بحران کنار هم هستند. در این روزها از تیم‌های درمانی تا نیروهای بسیجی و مردم عادی، همه برای حفظ امید و امنیت تلاش کردند. در ادامه، مصادیق این همبستگی را مرور می‌کنیم:

بازهم فرشتگان سفیدپوش در خط مقدم: کادر درمان، همان‌هایی که در کرونا جانشان را کف دستشان گذاشتند، امروز هم با خستگی ناپذیری، به کار درمان ادامه می‌دهند و حتی در مناطق پرخطر، کنار مردم ماندند. حتی برخی پزشکان متخصص، وبزیت رایگان اعلام کردند تا بار مالی از دوش مردم برداشته شود.

نیروهای بسیجی؛ دلسوزان امنیت: نیروهای بسیجی با حضور شبانه‌روزی در مبادی ورودی شهرها، امنیت را به مردم هدیه کردند. از گشت‌های محله‌ای تا کمک به توزیع مایحتاج عمومی، بسیجیان نشان دادند دلسوزانه برای آرامش مردم تلاش می‌کنند. در برخی مناطق، بسیج با همکاری گروه‌های جهادی، پناهگاه‌های امن برای مردم آماده کرد.

هنوانه در صف بنزین؛ لبخندی در سختی: در این روزها صف‌های طولانی بنزین در برخی شهرها شکل گرفت، اما مردم با روحیه‌ای متال زدنی این سختی را به فرصتی برای همدلی تبدیل کردند. مردی همراه دختر کوچک خود هندوانه بین رانندگان تقسیم کرد تا حال و هوای صف را عوض کند. این صحنه‌های کوچک، نشان‌دهنده قلب بزرگ ایرانی‌هاست.

همدلی در ترافیک؛ مهربانی در حرکت: در ترافیک‌های سنگین این روزها جوانانی بودند که با بطری‌های آب خنک، بین رانندگان و بدون چشمداشت، تشنگی را از دل مردم می‌زدودند. این کار ساده، پیامی بزرگ دارد: ما تنها نیستیم.

اسکان رایگان؛ آغوش باز برای هموطنان: بسیاری از ایرانی‌ها خانه‌هایشان را به روی هموطنان باز کردند. از شبکه‌های اجتماعی تا پلاکارد در دست اسکان رایگان دیده می‌شد. این حرکت، بار مالی و همدلی را از لنزها و سیل‌های گذشته است.

تقسیم‌نان: در برخی شهرها، کمبود نان باعث تشکیل صف‌های طولانی شد، اما مردم نان را بین خود تقسیم می‌کردند. مردی جدید نان اضافه گرفت و بین کسانی که در صف منتظر بودند پخش کرد. این سنت قدیمی، هنوز در قلب ایرانی‌ها زنده است.

کنار هم ماندن؛ علیه ترس و تنهایی: در شهرهای پرتنش برخی مردم تصمیم گرفتند محل زندگی‌شان را ترک نکنند تا دیگران احساس غربت و ترس نکنند. این حضور به‌ویژه برای کودکان و سالمندان آرامش بخش بوده و نشان می‌دهد ایرانی‌ها حتی در خطر، همدیگر را تنها نمی‌گذارند.

خدمات رایگان تاکسی؛ بار هم بایشیم: برخی رانندگان تاکسی با شعار «بیایید بار هم باشیم» خدمات رایگان برای امور پزشکی و دارویی ارائه می‌دادند. نوشته پشت تاکسی آقای غفوریان، دعوتی به به همدلی و همراهی در این روزهای سخت.

میوه ارزان در تریبار؛ دست در دست هم: برخی میادین میوه و تره‌بار، محصولات را به قیمت خرید عرضه کردند تا فشار اقتصادی روی مردم کمتر شود. این حرکت، نشان‌دهنده مسئولیت‌پذیری اصناف در قبال جامعه است.

نانوایی صلواتی؛ نان از دل برآمده: در برخی محلات، نانوایی‌ها نان را رایگان یا به‌صورت صلواتی عرضه کردند. این سنت قدیمی، در شرایط جنگی باز دیگر زنده شد تا واقعیه را از دل مردم دور کند.

داروخانه‌های رایگان؛ شفای بی‌چشمداشت: برخی داروخانه‌ها تعرفه خدمات دارویی را حذف کردند تا بیماران در این شرایط سخت، دغدغه هزینه نداشته باشند. این حرکت، نمونه‌ای از ایثار در حوزه سلامت است.

همبستگی؛ قدرت بی‌پایان ما: در ۱۲ روز شرایط خاص جنگی خانواده‌ها بار دیگر نشان دادند همدلی، قوی‌ترین سلاح آنهاست. همه مثال‌هایی که آوردیم حکایت از یک حقیقت دارد: خانواده‌های ایرانی در بحران‌ها نه تنها نمی‌شکنند، بلکه محکم‌تر کنار هم می‌ایستند. این همبستگی، همان میراثی است که از نسل‌های گذشته به ما رسیده و به نسل‌های آینده خواهیم سپرد. در دل جنگ نیز ما با مهربانی و اتحاد، ایندای روشن‌تر می‌سازیم.

منصوره سادات مرتضوی، مدیر پژوهشکده زن و خانواده، مدرس دانشگاه، پژوهشگر تعلیم و تربیت:

خانواده مامنی پایدار در جهان پرتلاطم امروز است

منصوره سادات مرتضوی، مدیر پژوهشکده زن و خانواده، مدرس دانشگاه، پژوهشگر تعلیم و تربیت، رسانه و زنان در گفت‌وگو با «جوان» می‌گوید: برای بازگشت به جایگاه مؤثر، خانواده باید نقش مشاور آگاه، شنونده فعال و همراه عاطفی را ایفا کند نه داور قضاوتگر. خانواده‌ای که در تصمیم‌گیری‌های نوجوان و جوان امروز نقش تسهیلگر داشته باشد، در ذهن نسل جدید نه تنها قید نیست، بلکه پشتوانه‌ای قدرتمند خواهد بود؛ متن گفت‌وگو به شرح زیر است.

خانواده در دهه‌های جدید شاهد چه تحولاتی بوده است؟

تحولات خانواده در دهه‌های اخیر در تمام نقاط جهان نگاه‌های اندیشه‌ورزان را به خود معطوف کرده و خانواده اصلی‌ترین و پایه‌ای‌ترین نهاد جامعه را نیز به چالش‌هایی دچار کرده است؛ از طرفی وجود و تداوم بقای خانواده و از طرف دیگر ایفای نقش اخلاقی خانواده به ویژه در انتقال ارزش‌های متعالی انسانی به نسل‌های بعد از چالش‌های خانواده امروز است. جامعه ما اکنون بر آنکه به تبع جامعه جهانی مسیر تحولات را می‌پیماید، ضرب آهنگ تحولات در آن در پاره‌ای زمینه‌ها، تندتر و رساتر شنیده می‌شود. این تغییرات، به ویژه در سال‌های اخیر توجه بسیاری از کارشناسان را به خود معطوف ساخته و موضوع بررسی ارتباط تحول در الگوی روابط خانوادگی و تغییر در الگوی مصرف کالاهای فرهنگی، مهم و از مباحث حوزه مطالعات فرهنگی است. خانواده مهم‌ترین و اولین جایگاه حضور انسان بعد از تولد و حتی در دوران جنینی قلمداد می‌شود که نقش بسیار مهمی در شکل‌گیری شخصیت و ویژگی‌های فردی و اجتماعی او دارد. خانواده به عنوان نهادی اجتماعی به نوعی، ساختار شخصیت اجتماعی فرد را تعیین می‌کند و او را برای حضور در اجتماعات بزرگ‌تر مهیا می‌سازد. امید که در نظام حکمرانی حلقه وصل خانواده با نظام تربیت فرهنگ و سایر وجوه رسمی به درستی شکل گیرد.

خیلی از الگوهای ذهنی نسل جوان امروز از فضای مجازی می‌آید نه خانواده. در این میان خانواده ایرانی چقدر توانسته برای جوان خود هویت‌ساز بماند؟

در دهه‌های اخیر، شبکه‌های اجتماعی و فضای مجازی به اصلی‌ترین منبع الگوهای فرهنگی، سبک زندگی و حتی نظام ارزشی نسل جوان تبدیل شده‌اند. این فضاها را اگر نه تصاویری جذاب، اما گاه سطحی و غیرواقعی، جای خانواده، از دهه‌ها پیش نشان می‌دهند جوان تنگ کرده‌اند. با این حال، خانواده ایرانی همچنان می‌تواند هویت جوان بماند، به شرط آنکه از الگوی سنتی صرف خارج شده و به بازتعریف نقش خود در عصر رسانه‌ها بپردازد. در تربیت اسلامی، خانواده نخستین نهاد هویت‌ساز است، زیرا تربیت از درون خانواده آغاز می‌شود: «یا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا قُوا أَنفُسَکُمْ وَأَهْلِیکُمْ نَارًا» (تحریم/۶)

بر اساس این آیه، وظیفه اصلی والدین، مراقبت تربیتی از فرزندان است، نه فقط تأمین مادی آنها. امروزه با سلطه فضای مجازی، خانواده اگر نتواند تا مأمنی روانی برای اعضایش فراهم کند، اگر خانواده بتواند با روش‌هایی چون گفت‌وگوی محبت‌آمیز، انتقال روایی ارزش‌ها (مثل داستان‌های اهل بیت) و ایجاد پیوند احساسی با مفاهیم دینی و ملی، فرزندان را هدایت کند، همچنان می‌تواند مرجع هویتی اصلی آنان باشد. خانواده‌ای که با فرزندانش گفت‌وگو می‌کند، روایت‌های هویتی خود را در قالب‌های جذاب همچون بازی، یادکست و شبکه‌های اجتماعی بازتولید می‌کند و به تجربه زیسته فرزند احترام می‌گذارد و می‌تواند رقیبی قدرتمند برای فضای مجازی باشد نه قربانی آن.

گویا خانواده در ذهن برخی جوانان تبدیل به یک «بار اضافی» یا «قید و بند» شده، نه یک مأمن یا آرامشگاه. نقش خانواده در تصمیم‌سازی‌های کلان جوانان چه جایگاهی دارد؟

در برقراری ارتباط مؤثر و نانوانی در درک جهان ذهنی نسل جدید است. نسل Z و آلفا در معرض حجم عظیمی از داده‌ها و گزینه‌ها قرار دارند و اگر خانواده صرفاً در جایگاه ناظر یا کنترل‌گر بایستد، از صحنه تصمیم‌سازی‌های کلان حذف خواهد شد. برای بازگشت به جایگاه مؤثر، خانواده باید نقش مشاور آگاه، شنونده فعال و همراه عاطفی را ایفا کند، نه داور قضاوتگر. خانواده‌ای که در تصمیم‌گیری‌های نوجوان و جوان امروز نقش تسهیلگر داشته باشد، در ذهن نسل جدید نه تنها قید نیست، بلکه پشتوانه‌ای قدرتمند خواهد بود.

در شرایط پر تنش و تغییرات سریع اجتماعی امروز، نقش خانواده در حفظ سلامت روان اعضا چگونه تعریف می‌شود؟

در جهان متلاطم پرشتاب امروز، خانواده تنها نهاد پایداری است که می‌تواند مأمنی روانی برای اعضایش فراهم کند. اگر خانواده بتواند محیطی عاری از سرزنش، تنش‌های اضافی و فشارهای مقایسه‌ای ایجاد کند، به مهم‌ترین منبع تنظیم هیجانی تبدیل خواهد شد. گاردن‌های امروز این نهاد یعنی سلول اصلی جامعه می‌باشد که گوش دادن همدلانه و تقویت تاب‌آوری در اعضای خانواده، ابزارهایی کلیدی برای حفظ سلامت روان است. همچنین وقت‌گذرانی کیفی، تمرکز بر نقاط قوت اعضا و ایجاد فرصت برای ابراز احساسات نقش مهمی در این مسیر ایفا می‌کند. از مهم‌ترین ویژگی‌های خانواده پویا، توانایی برقراری ارتباط در شرایط دشوار و صمیمانه میان اعضای خانواده است که از ضرورت‌های امروز این نهاد یعنی سلول اصلی جامعه می‌باشد که متأسفانه مورد غفلت واقع شده است.

با توجه به شرایط اقتصادی و اجتماعی کنونی، چطور می‌توان خانواده‌ها را در برابر استرس‌های مالی و اجتماعی تقویت کرد تا روابط سالم و صمیمانه حفظ شود؟

مهم‌ترین راهکار، بازتعریف منابع قدرت درون خانواده است. به‌جای تکیه بر درآمد بالا یا امکانات مادی، باید بر «سرمایه از تباطی» تمرکز کرد: اعتماد، صداقت، همدلی و گفت‌وگوی سازنده. خانواده‌هایی که شفاف درباره چالش‌های مالی صحبت می‌کنند، تصمیمات اقتصادی را به‌صورت جمعی می‌گیرند و الگوی مصرف معقول را با مشارکت فرزندان آموزش می‌دهند، کمتر دچار فروپاشی می‌شوند. همچنین آموزش مدیریت منابع، اولویت‌بندی نیازها و همدلی در سختی‌ها، سپری مقاوم در برابر تنش‌های بیرونی خواهد بود. اگر خانواده، «معنویت»، «همکاری» و «اقناعت» را فرهنگ کند، بحران‌های اقتصادی را نیز به فرصت رشد تبدیل خواهد کرد.

خانواده‌های امروزی چطور می‌توانند فرهنگ گفت‌وگو و حل تعارض را در نسل‌های جدید به شکل مؤثر توسعه دهند؟

فرهنگ گفت‌وگو، آموختنی است و از طریق تجربه، مشاهده و تمرین در خانواده منتقل می‌شود. نسل‌های آلفا و Z با مفاهیمی چون ارتباطات غیرخشونت‌آمیز، حل مسئله جمعی و زبان هیجانی آشنا هستند، اما در محیط خانه اغلب الگویی متضاد می‌بینند. خانواده‌ها باید فضای گفت‌وگو بسدون ترس از قضاوت فراهم، زمان مشخصی برای «شنیدن بدون واکنش» داشته باشند و به جای تحکم، مهارت «بازتاب‌دادن احساس» را تمرین کنند. بازی‌های گفت‌وگو محور، جلسات خانوادگی و مشاوره پیشگیرانه نیز ابزارهایی مؤثر در این مسیرند. در سیره امیرالمؤمنین (ع) و حضرت زهرا (س)، گفت‌وگو با فرزندان نه تنها رایج، بلکه یک تربیت بود. امام سجاد(ع) در رساله حقوق، «حق فرزند» را گوش دادن، آموزش و محبت دانسته‌اند. نکته مهم این است که گفت‌وگو به معنای نداشتن اختلاف نیست، بلکه از نشانه‌های خانواده پویا این است که می‌توانند روی اختلافات‌شان به آرامی صحبت کنند.

با توجه به روند جهانی شدن و تغییرات فرهنگی، چگونه می‌توان ارزش‌های خانوادگی ایرانی - اسلامی را حفظ کرد بدون آنکه خانواده از روز آمدی باز بماند؟

چالش اصلی این نیست که ارزش‌های خانوادگی تغییر نکنند، بلکه این است که این ارزش‌ها چطور می‌توانند در قالبی روزآمد و قابل درک برای نسل جدید بازتعریف شوند. ارزش‌هایی چون احترام، اقناعت، وفاداری و مسئولیت‌پذیری اگر با زبان امروز بازگو شوند، همچنان مقبولند. جامعه‌ای که از ابزارهای هنری، رسانه‌ای و فناورانه برای روایت این ارزش‌های خانواده بهره می‌برند، می‌توانند فرهنگ خود را ماندگار کنند بدون اینکه از تحولات جهانی عقب بمانند. مهم‌ترین اصل، تبدیل ارزش‌ها به تجربه ملموس است، نه صرفاً شعار. برای حفظ ارزش‌های اسلامی در خانواده نباید تنها به تذکر و نصیحت بسنده کرد، باید از هنر، بازی، شعر و خاطره برای انتقال ارزش استفاده کرد. والدین باید خود عامل باشند، چون کودک بیشتر از «هستن»، از «رفتار» می‌آموزد.

حمیدرضا نیکومرام/ایفارس

روایت جلوه‌هایی از همدلی و نوعدوستی خانواده‌های ایرانی در روزهای پرالتهاب جنگ اخیر

قلب خانواده ایرانی برای مردم سرزمینش می‌تپد

امین حشمتی، مشاور و روان درمانگر کودک و نوجوان:

والدین ترس‌های کودکان از جنگ را درمان کنند

در جنگ، اگرچه جبهه حق دستاوردهای بزرگی کسب می‌کند، اما گاهی متحمل هزینه‌های سنگینی نیز می‌شود. این هزینه‌ها نه تنها شامل خسارات مالی و زیرساختی است، بلکه آسیب‌های جانی و روانی به انسان‌ها به ویژه کودکان را نیز دربرمی‌گیرد. جنگ با تمام پیچیدگی‌ها و چالش‌هایش زندگی افراد را تحت تأثیر قرار می‌دهد و کودکان به عنوان آسیب‌پذیرترین اعضای خانواده، بیش از دیگران در معرض آسیب قرار می‌گیرند. این در حالی است که بزرگسالان ممکن است با تکیه بر تجربه و توانایی‌هایشان بتوانند تا حدی از خود دفاع کنند و با شرایط سخت جنگ سازگار شوند ولی کودکان فاقد چنین توانمندی‌هایی هستند. آنها نه تنها از نظر جسمی ضعیف‌ترند، بلکه از نظر روانی نیز در مرحله‌ای از رشد قرار دارند که جنگ می‌تواند اثرات عمیق و ماندگاری بر شخصیت و آینده‌شان بر جای بگذارد. کودکان در کلامی از مفهوم جنگ و عواقب آن ندارند و این بی‌اطلاعی می‌تواند ترس، اضطراب و سردرگمی شدیدی در آنها ایجاد کند.

مشکلات کودکان در زمان جنگ چند بعدی است. از یکسو آنها ممکن است شاهد از دست دادن اعضای خانواده، دوستان یا خانه‌شان باشند که این امر باعث ایجاد احساس ناامنی و بی‌پناهی می‌شود. همچنین صدای انفجارها، بمباران‌ها و فضای پرتنش جنگ می‌تواند ترس‌های عمیقی در وجودشان ریشه بدواند که سال‌ها پس از پایان جنگ نیز باقی بماند.

کودکان در زمان جنگ همچنین با اختلالات رفتاری و عاطفی مانند پرخاشگری، گوشه‌گیری، کابوس‌های شبانه و حتی افسردگی مواجه می‌شوند. این مشکلات نه تنها زندگی کنونی آنها را تحت تأثیر قرار می‌دهد، بلکه می‌تواند آینده‌شان را نیز شکل دهد. بنابراین حمایت از کودکان در زمان جنگ و پس از آن نه تنها یک وظیفه انسانی، بلکه یک ضرورت اجتماعی است.

دکتر امین حشمتی، مشاور و روان درمانگر کودک و نوجوان در این باره می‌گوید: «تأثیرات جنگ مسلماً منجر به آسیب روانی برای همه به ویژه کودکان می‌شود، طوری که این آسیب‌ها روال زندگی آنها را تحت‌الشعاع قرار داده و کودکان را به روان درمانی نیازمند می‌سازد. این آسیب شامل همه کودکان چه آنهایی که خسارت مالی و جانی دیده‌اند و چه آنهایی که در امان بوده‌اند، می‌شود»

این روان درمانگر اولین و مهم‌ترین راهکار برای کنترل استرس و اضطراب کودکان را «حفظ انسجام خانواده» می‌داند و می‌افزاید: «برای به حداقل رساندن احساس ناامنی کودک، خانواده‌ها می‌توانند در صورت امکان به مکان امنی بروند و این به شرطی است که در خود خانواده خشونتی به تأثیر جنگ نباشد. در غیر اینصورت، نه تنها به کودک کمکی نمی‌شود، بلکه بر وضعیت او به وارد می‌شود. برای حفظ این انسجام، باید و مادر باید بتوانند احترام را در خانواده نگه دارند و در مهارت کنترل هیجان کوشاتر عمل کنند. در چنین شرایطی بزرگ‌ترهای خانواده باید به یکدیگر ثابت کنند عاشق یکدیگر هستند تا کودک بتواند امنیت را تجربه کند. از طرفی دیگر والدین باید فضایی امن، حتی کوتاه‌مدت، برای حفظ بقای خانواده در نظر بگیرند تا سایه امنیت هر چه بیشتر برای کودک فراهم شود. ضمناً همانطور که تعاملات والد و فرزند در لحظه لحظه زندگی نقش تعیین کننده‌ای دارد، والدین برای حفظ چنین تعاملی باید بسیار مسئولانه‌تر عمل کنند که یکی از راه‌های بسیار مفید برای حفظ این تعامل، بازی‌های خانوادگی است. والدین باید حتماً به یاد داشته باشند اخبار مربوط به جنگ را در حضور فرزندشان مطرح نکنند و حتی شده روزه رسانه بگیرند، یعنی ساعاتی را در روز به استفاده نکردن از وسایل رسانه‌ای بگذرانند تا خودشان هم درگیر اضطراب و استرس نشوند.

و اما حتمت جنگ و برقراری صلح، آرزوی همیشگی بشر بوده و خواهد بود. با پایان یافتن هر جنگ، فرصتی برای بازسازی و التیام زخم‌ها فراهم می‌شود اما در این میان، کودکان که بیشترین آسیب را دیده‌اند نیازمند حمایت و مراقبت ویژه‌ای در پساجنگ هستند.»

حشمتی معتقد است تمام شدن جنگ به معنای این نیست که همه چیز تمام شده است، چراکه همانطور که جنگ تأثیرات بسزایی بر موضوعات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و غیره می‌گذارد، بر سلامت جسمانی و به ویژه سلامت روانی اثرات زیانباری می‌گذارد. وی می‌گوید: «همانطور که بعد از اتمام جنگ همه باید جبران مافات کنند، چنین جبرانی به آسیب‌های روانی نیز مربوط می‌شود. والدین باید بدانند بزرگ شدن بچه‌ها و گذر زمان نه تنها چیزی را درست نمی‌کند، بلکه آشفتگی روانی کودکان را نیز به مرور بیشتر و بیشتر می‌کند. بنابراین از والدین تقاضا می‌شود برای درمان ترس‌های کودکان خود در پساجنگ، حتماً به مشاوره و روان‌درمانی رجوع کنند تا فضای خانواده به فضایی پر مهر برگردد و کودک بتواند آینده پربازی را برای خود رقم بزند.»

وی در پایان تأکید می‌کند: «پایان جنگ، آغاز راهی است برای بازسازی و ایجاد آینده‌ای بهتر. کودکان، اینده‌سازان فردا هستند و حمایت از آنها، سرمایه‌گذاری برای ساختن جهانی صلح‌آمیز و عاری از خشونت است.»

والدین باید برای درمان ترس‌های کودکان خود در ایام جنگ اخیر، حتما به مشاوره و روان‌درمانی رجوع کنند تا فضای خانواده به فضایی پر مهر برگردد. پایان جنگ، آغاز راهی است برای بازسازی و ایجاد آینده‌ای بهتر. کودکان، آینده‌سازان فردا هستند و حمایت از آنها، سرمایه‌گذاری برای ساختن جهانی صلح‌آمیز و عاری از خشونت است

خانواده، هسته مرکزی ثبات اقتصادی در پساجنگ

اقتصاد مستقیماً بر زندگی روزمره مردم اثر می‌گذارد، بنابراین درک مسائل آن به ما کمک می‌کند تا تغییرات قیمت‌ها، تورم، نرخ ارز و عوامل مؤثر بر قیمت، عرضه و توزیع کالاها و خدمات را بفهمیم. این دانش در بودجه‌بندی، تصمیمات خرید و برنامه‌ریزی حرفه‌ای مؤثر است. اقتصاد در شرایط جنگی و دفاعی و پس از آن نقشی حیاتی‌تر دارد و در واقع اقتصاد و دفاع‌ملی به شدت به هم مرتبط هستند و درک این ارتباط برای برنامه‌ریزی و تضمین آمادگی در شرایط جنگی ضروری است. در این میان، خانواده به عنوان مهم‌ترین نهاد تشکیل دهنده جامعه می‌تواند با اتخاذ رفتارهایی هوشمندانه و مسئولانه، نقش مؤثری در مدیریت اقتصاد خانوار و حمایت از ثبات اقتصادی کشور ایفا کند. حال این سؤال مطرح است که چه رفتارهایی از سوی اعضای خانواده در این شرایط می‌تواند مؤثر و کارآمد باشد؟

در پاسخ باید گفت خانواده‌ها می‌توانند با اتخاذ رفتارهای اقتصادی هوشمندانه به مدیریت بهتر